



بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان هنرستان‌های کاردانش و کشاورزی شهرستان مریوان

کاروان شانازی^۱، فرشید ملا میرزای^۲، رضا موحدی^۳، صباح عباسی^۴، حامد بیرانوند^۵

چکیده

هدف کلی این مطالعه بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان هنرستان‌های کاردانش و مقایسه وضعیت آنان با فارغ-التحصیلان هنرستانهای کشاورزی در شهرستان مریوان می‌باشد. این پژوهش از نوع توصیفی است که به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق را فارغ‌التحصیلان شاخه کاردانش و هنرستان‌های کشاورزی از سال ۸۹-۹۳ تشکیل می‌دهند. در این پژوهش نمونه‌ای ۲۱۶ نفره با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی و با بهره‌گیری از جدول تعیین حجم نمونه کرجسی و مورگان انتخاب شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده که روایی آن از طریق روایی محتوایی و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۲ برآورد شد برای تحلیل داده‌ها از تکنیک‌های امار توصیفی (فراوانی، میانگین، درصد و ...) و امار استنباطی (آزمون خی دو و اسپیرمن) استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد متوسط درصد اشتغال فارغ‌التحصیلان در گروه کشاورزی ۵۲ درصد و در مجموعه رشته‌های کاردانش ۴۵ درصد بوده است. درصد اشتغال مرتبط با رشته فارغ‌التحصیلان کاردانش با میانگین ۶۰ درصد و فارغ‌التحصیلان کشاورزی ۵۲ درصد بود که مبین آن است که درصد قابل توجهی از فارغ‌التحصیلان در رشته تحصیلی خود مشغول به کار هستند و این ارتباط شغلی و آموزشی بین فارغ‌التحصیلان کاردانش بیشتر از فارغ‌التحصیلان کشاورزی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، فارغ‌التحصیلان، کاردانش، هنرستان کشاورزی، مریوان.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه بوعلی سینا همدان

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان

^۳ دانشیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان

^۴ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه پیام نور مریوان

^۵ دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان



مقدمه

آموزش، اثر بخش ترین سازو کار جامعه برای مقابله با بزرگترین چالش این قرن، یعنی توسعه پایدار است. توسعه پایدار به انسان های کل نگر، دارای تفکر سیستمی، دارای بینش میان و فرارشته ای، آگاه، خلاق و مشارکت جو نیاز دارد. تولید منابع انسانی واجد شرایط فوق، نیازمند گسترش آموزش توسعه ای در راستای توسعه پایدار بوده که این امر خود از بزرگترین چالش های پایداری می باشد که برای تداوم حیات خود نیازمند آن است (موسایی و احمد زاده، ۱۳۸۸). ظهور اقتصاد دانش محور در کشورهای صنعتی در دهه های آخر قرن گذشته و به دنبال آن در برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا و آمریکای لاتین نشان داد که سرمایه انسانی نقش محوری در توفیق این کشورها برای ورود به اقتصاد جدید داشته است (بانک جهانی، ۲۰۰۲). هاربیسون معتقد است که منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملت ها را تشکیل می دهد. به وضوح کشوری که نتواند مهارت ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحوه مؤثری بهره برداری کند قادر نخواهد بود هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد. مکانیسم نهادی اصلی برای توسعه مهارت ها و دانش انسان، نظام آموزشی است. لیکن اکثر کشورهای جهان سوم بر این باورند که رمز اصلی توسعه ملی فقط در گسترش کمی سریع فرصت های آموزشی است بدون آنکه به فرصت های شغلی و نیاز بازار کار توجهی داشته باشند. آموزش و اشتغال به طور ویژه بر محور دو جریان اصلی اقتصادی دور می زند:

۱. تأثیر متقابل تقاضای آموزشی (که انگیزه های اقتصادی است) و عرضه آموزشی

۲. تفاوت بین فواید و هزینه های اجتماعی و شخصی در سطوح مختلف آموزشی و اثرهای این تفاوت در استراتژی سرمایه گذاری آموزشی (تودارو: ۱۳۷۷).

امروزه میزان مشارکت و اشتغال یکی از عوامل اصلی نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اقتصادی محسوب می شود و میزان و نحوه مشارکت اقشار مختلف در فعالیتهای اقتصادی به عنوان یکی از شاخص های اصلی در توسعه اقتصادی افزایش رفاه اجتماعی همواره مدنظر سیاست گزاران بوده است و آنان را ناگزیر به ارائه برنامه های منطقی و کاربردی نموده تا ضمن مهارت آموزی زمینه را برای ایجاد فرصت شغلی فراهم آورد. در این راستا، یکی از مهمترین راهکارهای اجرایی در کشور به منظور اشتغال زایی و غلبه بر بیکاری ارائه آموزش ها و مهارت های کاربردی و مؤثر توسط سازمان فنی حرفه ای بوده است تا جایی که در حال حاضر سازمان فنی و حرفه ای به عنوان یکی از ارکان اصلی مهارت آموزی و پرورش نیروهای متخصص در کشور محسوب می شود. بدون مهارت آموزی و به تبع آن کار آفرینی توسط مهارت آموخته گان فنی حرفه ای، راهکارهای مؤثر در جهت اشتغال زایی و رفع معضل بیکاری از یک سو و توسعه اقتصادی در کشور از سویی دیگر خواهد شد. تربیت نیرو در قالب آموزش های فنی حرفه ای از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مورد توجه کشورهای جهان قرار گرفت و پس از جنگ جهانی دوم این آموزش ها به طور بی سابقه در کشورهای جهان گسترش یافت تا آنجا که امروزه آموزش های فنی و حرفه ای پس از آموزش و پرورش در بسیاری از کشورها خصوصاً جوامع صنعتی جواب گویی نیازهای اقتصادی و اجتماعی می باشد (جاویدنیا و جاویدنیا، ۱۳۹۲). آموزش به ویژه آموزش های فنی و حرفه ای، وسیله ای در خدمت به نیازهای توسعه ای جامعه است. کشورهای زیادی این آموزش ها را بخشی از سیستم آموزش مدرسه ای رسمی خود کرده اند. آموزش فنی و حرفه ای در سطح متوسطه اهداف بیشماری دارد، این اهداف شامل آموزش مهارت های محدود برای تربیت افرادی با مهارت های شغلی، برای کار در شغل های خاص یا دسته ای از شغل ها تا بالا بردن سطح آموزش عمومی می باشد (Mupinga et al, ۲۰۰۵). پیشینه تاریخی آموزش های فنی و حرفه ای و کار دانش به فراهم کردن آموزش های ویژه شغلی برای جوانان طبقه کارگر برمیگردد. دنیای معاصر نیازمند معدودی از مهارت های دستی است که در قرن گذشته مطرح بودند، امروزه مدارک زیادی نشان می دهند که مهارت های کاری مورد نیاز در قرن ۲۱ شامل مهارت های فکری سطح بالا (استدلال، تصمیم سازی، حل مسئله، انعطاف پذیری، مهارت های بین فردی و سواد فنی می باشد (Lynch, ۲۰۰۰). در بررسی مک لین و اردونز (۲۰۰۷) ثابت شد که جهان با تغییرات اساسی نیازمند الگوهای جدید آموزشی می باشد. بنابراین به تعداد گروه های یادگیرنده در زمینه های مختلف اجتماعی و کاری به اشکال و روش های توسعه مهارت نیاز خواهد بود.

آموزش های کار دانش به آموزش هایی اطلاق می شود که موجبات ارتقا دانش افراد و ایجاد مهارت های لازم و به فعلیت در آوردن استعداد های نهفته آنان را فراهم می آورد تا آنها را برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار مشخص آماده سازد و یا مهارت آنها را برای انجام کاری که به آنان محول شده است تا سطح مطلوب افزایش بخشد در واقع، تعریف رایج شده از کار دانش نشان می دهد که این شاخه آموزشی به منظور مهارت آموزی و آماده کردن جوانان برای بازار کار و اشتغال طراحی شده است. (شریف زاده، ۱۳۹۲) در پی



تحولات گسترده در نظام آموزش متوسطه، به عنوان الگویی جدید از ارتباط میان نظام شاخه کاردانش در آموزش متوسطه فنی و حرفه ای و نیازهای بازار کار، از سال تحصیلی ۱۳۷۲ کشور به اجرا درآمد، هدف از تأسیس و اجرای این شاخه، تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخشهای صنعت، خدمات و کشاورزی، در سطح کارگر نیمه ماهر، ماهر، سرپرست کارگاه و استادکار است (شریعت‌زاده، ۱۳۸۸) به علاوه می‌توان گفت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به دلیل توأم نمودن آموزشهای نظری و علمی از توانایی زیاد در تشکیل سرمایه انسانی و تربیت کارکرد دانش مدار برخوردار میباشند. آموزش حرفه ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. این آموزش‌ها در کشورهای درحال توسعه نه تنها عهده‌دار نیروی کار مورد نیاز بخش مختلف اقتصاد این کشورها میباشند، بلکه از طریق بسترسازی خود اشتغال، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می نمایند (امیری، ۱۳۸۳) از آنجا که یکی از عوامل عمده رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی هر جامعه، تربیت نیروی انسانی کارآمد می باشد، سازمان آموزش و پرورش در قالب آموزش‌های حرفه‌ای و کاردانش در سطح متوسطه به این امر مبادرت می‌ورزد. این مراکز با تربیت نیروی انسانی متخصص که دارای سطح معلومات و تجربیات خاصی می‌باشند، انتظار بر این است که به راحتی بتوانند هماهنگ با رشته های مهارتی خود جذب بازار کار گردند تا مشکل بیکاری وجود نداشته باشد (بیدختی، ۱۳۸۳)

از طرفی اشتغال رکن خیلی مهمی در توسعه اقتصادی هر کشوری است که نه تنها باعث رشد و توسعه اقتصادی هر کشوری می‌شود بلکه میزان ناهنجاری‌های و بزهکاری را در جامعه به حد زیادی کاهش می‌دهد. افراد در هر جامعه می‌توانند از راه‌های گوناگونی وارد بازار کار شوند و یا متناسب با توانایی‌های خود به کاری مشغول شوند که یکی از راه‌های ورود به بازار کار و یادگیری فنی متناسب با توانایی خود آموزش‌های هستند که در مراکز آموزشی از جمله کاردانش‌ها یاد می‌گیرند. کاردانش‌ها مراکز آموزشی فنی هستند که دانش آموزان متناسب با بازار کار به یادگیری حرفه های متناسب با توانایی خود می پردازند. اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه ای و کار و دانش در آن است که خیلی زود فارغ التحصیلان خود را از دوره دبیرستان وارد بازار کار می‌کنند که این عمل باعث پایین آمدن نرخ بیکاری، رشد سریع اقتصادی و افزایش تولید ناخالص داخلی میشود (زعفرانجی، ۱۳۸۸) اشتغال ناقص، مفهومی گسترده است که منعکس‌کننده‌ی استفاده ناقص از ظرفیت تولید جمعیت شاغل می‌باشد و شامل موارد ناشی از ضعف سیستم اقتصادی ملی یا محلی است. این مفهوم به موقعیت اشتغال جایگزین اشاره دارد که افراد خواهان و آماده‌ی پیوستن به آن هستند. برای مقاصد اندازه‌گیری، استانداردهای بین‌المللی تنها به یک جنبه‌ی اشتغال ناقص، یعنی اشتغال ناقص زمانی منحصر شده است. این نوع اشتغال ناقص هنگامی رخ می‌دهد که ساعات کار فرد شاغل در مقایسه با وضعیت اشتغال دیگری که فرد تمایل و آمادگی پیوستن به آن را دارد، ناکافی است. افراد دارای اشتغال ناقص زمانی، شاغلانی با شرایط زیر هستند: تمام شاغلانی که در هفته مرجع، حاضر در سر کار یا غایب موقت از محل کار بوده، به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعات کار بیشتر، قرار داشتن در فصل غیر کاری و .. کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار کرده، خواهان و آماده برای انجام کار اضافی در هفته مرجع بوده اند (امیری، ۱۳۸۳) همانطور که اشاره شد موضوع اشتغال و بیکاری نیروی انسانی یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات جهان است که در کشورهای در حال توسعه با توجه به عدم توازن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی نقش و سهم بیشتری بر توسعه دارد. لیکن امروزه رشد فزاینده حجم نیروی کار، فقدان ارتباط کافی و عدم هماهنگی بین نظام آموزش و بازار کار، عدم تناسب رشد اقتصادی و ظرفیت‌های اشتغال زایی جامعه با رشد دانش آموختگان، افزایش نرخ مشارکت نیروی کار در جامعه، فقدان مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از سوی فارغ التحصیلان و نیز فقدان اطلاعات مورد نیاز بازار کار باعث شده موضوع اشتغال از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران جوامع در حال توسعه از جمله ایران به شمار آید. از آنجایی که یکی از دلایل بیکاری در کشور، فقدان مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از سوی جویندگان کار است (شریف زاده، ۱۳۹۲). لذا هدف از آموزش‌های ارائه شده در مراکز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش افزایش توانایی‌های دانشی- مهارتی و قدرت درک افراد و انجام مطلوب تر کار در محدوده وظایف شغل است. از آنجا که موضوع بیکاری یکی از مهمترین مسائل و مشکلات جهان است و در کشورهای در حال توسعه با توجه به عدم توازن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سهم بیشتری را بر توسعه دارد و با توجه به اینکه یکی از دلایل بیکاری در کشور فقدان مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از سوی جویندگان کار میباشد. انتظار می‌رود سازمان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با ارائه آموزش‌های مهارتی بتواند نقش بسزایی در کاهش میزان بیکاری ایفا کند زیرا آموزش‌های فنی و حرفه ای به سبب انعطاف‌پذیری نشأت گرفته از خصیصه‌های بازار کار و اوضاع اقتصادی کشور و نیز به دلیل آموزش و ایجاد مهارت‌های لازم در افراد برای توانایی در احراز مشاغل نقش بسزایی در اشتغال دارند این آموزش‌ها



هم مهارت‌های خاص مورد نیاز صنعت و هم مهارت‌های عمومی بازار کار را فراهم می‌سازند. و هم چنین برای شاغلینی که به دلیل تغییرات تکنولوژی دچار کاهش کارایی می‌شوند امکان به روز شدن و تکمیل مهارت را فراهم می‌کند (پرنده و زین آبادی، ۱۳۹۲)

با وجود اینکه شهرستان مریوان توانمندی‌ها و پتانسیل لازم برای رسیدن به وضع مطلوب برخوردار از نیروی کار ماهر را دارد اما بیکاری در شهر مریوان در سطح بالایی قرار دارد و تاکنون بررسی جامع و فراگیری از وضعیت فارغ التحصیلان در شهرستان مریوان به عمل نیامده است. با وجود آنکه مجریان این برنامه استقبال دانش آموزان از تحصیل در این هنرستان‌ها را بسیار قابل توجه ارزیابی می‌کنند و بر مبنای آن کماکان به توسعه کمی رشته‌های کاردانش و افزایش دانش آموزان شاغل به تحصیل در این شاخه مبادرت می‌ورزند اما از وضعیت فارغ التحصیلان، تناسب و کیفیت مهارت آنان برای اشتغال و نهایتاً میزان اشتغال آنان در بازار کار اطلاعات روشن و مستدلی در دست نیست با توجه به موارد فوق این پژوهش در پی آن است که میزان انطباق اشتغال فارغ التحصیلان هنرستان-های کاردانش و کشاورزی را با رشته تحصیلی آنها در شهرستان مریوان مورد بررسی قرار دهد.

از پژوهش‌هایی که تا حدی مشابه این پژوهش است می‌توان پژوهش خراط‌زبردست را عنوان کرد که در سال ۱۳۷۱ با عنوان بررسی وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان پسر هنرستان فنی و حرفه‌ای و کشاورزی و مقایسه آن با اشتغال تعداد مشابه فارغ التحصیلان پسر دبیرستان‌های نظری در شهر تهران به اجرا درآمده است. براساس یافته‌های این پژوهش فارغ التحصیلان هنرستان‌های فنی حرفه‌ای و کشاورزی زودتر از فارغ التحصیلان نظری جذب بازار کار شده اند و نسبت بیکاران فارغ التحصیلان فنی و حرفه‌ای با دبیرستان‌های نظری تفاوتی ندارد.

پناهی (۱۳۷۹) وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان شاخه کاردانش در شهرستان اردبیل در سال‌های ۷۶-۷۹ را مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته است که از مجموع افراد مورد مطالعه ۲۱,۳۷ درصد شاغل، ۷۴,۰۵ درصد بیکار، ۲,۲۹ درصد مشغول به تحصیل و ۲,۲۹ درصد مشغول سربازی هستند.

عطاران (۱۳۸۰) در پژوهش بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با اشتغال دانش‌آموختگان شاخه کاردانش نتایج زیر را ارائه کرده است: ۲۹ درصد فارغ التحصیلان شاغل یا اشتغال توأم با تحصیل، ۲۴ درصد در حال تحصیل، ۲۲,۳ درصد بیکار جویای کار و ۴۸,۳ درصد بیکار هستند

از نظر میرهادی (۱۳۸۰) بین داشتن دیپلم کاردانش و به دست آوردن شغل مرتبط با رشته و همچنین بین آموزش‌های فنی دریافت شده و نوع شغل فارغ التحصیلان ارتباطی وجود ندارد.

لرستانی (۱۳۸۱) نتیجه می‌گیرد که عدم تناسب رشته‌های تحصیلی دختران با بازار کار، جذب فراوان دختران به آموزش‌های کاردانش و بدون معیار بودن آموزش‌ها موجب عدم اشتغال دختران و گرایش آنها به سمت مدارج تحصیلی بالاتر شده است، به علت نبود شغل مرتبط با رشته ۵۴,۳ درصد فارغ التحصیلان در مشاغل غیرمرتبط مشغولند، بین آموزش‌های کاردانش و نیازهای بازار کار تناسبی وجود نداشته و به دلیل عدم رعایت استانداردهای لازم، آموزش‌های کاردانش به سمت آموزش‌های نظری سوق یافته اند

ایزدی و صفار حیدری (۱۳۸۱) پژوهشی را با عنوان بررسی وضعیت اشتغال کارآموزان آموزش‌دیده فنی و حرفه‌ای استان مازندران طی برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام دادند. از بین ۷۷۷ نمونه مورد مطالعه از کارآموزان، ۳۹ درصد اشتغال یافته اند که از این میزان ۱۹ درصد اشتغال مرتبط با مدرک آموزش و ۲۰ درصد نیز اشتغال غیر مرتبط با مدرک آموزشی دارند

برزگر (۱۳۸۲) در مطالعه وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان رشته‌های نقشه کشی ساختمان و حسابداری شاخه کاردانش در شهرستان‌های استان تهران می‌نویسد که ۲۸ درصد فارغ التحصیلان مورد مطالعه شاغل، ۴۵ درصد بیکار، ۱۴ درصد در حال تحصیل، ۵ درصد خانه دار و ۸ درصد در حال انجام خدمت سربازی می‌باشند

کاووسی (۱۳۸۷) در پژوهش خود در رابطه آموزش‌های کاردانش و فنی حرفه‌ای با اشتغال در استان آذربایجان شرقی به این نتایج رسیده است که نسبت اشتغال مرتبط با رشته تحصیلی در بخش دولتی ۷۷,۵ درصد و بخش خصوصی و سایر مشاغل ۵۸,۹ درصد است و نسبت‌های اشتغال فارغ التحصیلان در مناطق مختلف استان یکسان نیست. بیشترین درصد اشتغال مرتبط با رشته تحصیلی در



میان فارغ التحصیلان نواحی مرکزی مشاهده می‌شود. سرانجام نتیجه گیری شده که بخشی از مشکلات اشتغال فارغ التحصیلان فنی و حرفه ای به محدودیت‌های بازار کار و قسمتی به چگونگی برنامه‌های آموزشی مرتبط می‌شود. در این پژوهش پیشنهاد شده مهارت‌های که دارای قابلیت اشتغال اعم از (فکری و جسمی) (بازرنامه‌های فنی و حرفه ای تلفیق شوند

شریعت زاده (۱۳۸۸) در پژوهش خود به بررسی وضعیت تحصیلی و شغلی فارغ التحصیلان شاخهٔ کاردانش در رشته‌های کامپیوتر، امور مالی و حسابداری و زراعت و مقایسه آن با وضعیت فارغ التحصیلان شاخهٔ نظری پرداخته است یافته‌های این تحقیق نشان داد که اکثر دانش آموزانی که جذب رشته‌های فوق الذکر در شاخهٔ کاردانش شده اند، از نظر وضعیت تحصیلی و آموزشی، در حد متوسط و بالاتر قرار دارند و علاقهٔ شخصی دانش آموزان، مهمترین عامل جذب آنان به شاخهٔ کاردانش است همچنین ۴۵٫۲ فارغ التحصیلان نظری و ۲۳٫۲ درصد فارغ التحصیلان کاردانش علاقمند به ادامهٔ تحصیل در رشته خود در دانشگاه هستند. ۱۷٫۷ درصد فارغ التحصیلان کاردانش و ۱۵٫۸ درصد فارغ التحصیلان شاخهٔ نظری در زمان انجام مطالعه شاغل بوده اند و اکثریت شاغلان شاخه کاردانش از طریق معرفی دوستان و آشنایان شاغل شده اند. همچنین ارتباط میان رشته تحصیلی فارغ التحصیلان شاخه کاردانش در رشته‌های مذکور و شغل فعلی آنان بالاتر از حد متوسط گزارش شده است. بهبود بخشیدن به کیفیت آموزش‌های مهارتی کاردانش، اتخاذ رویکرد عدم تمرکز در برنامه ریزی‌های شاخه کاردانش و توسعه متوازن رشته‌های کامپیوتر، امور مالی و حسابداری و زراعت از جمله پیشنهاداتی است که با بهره‌گیری از نتایج این پژوهش ارائه شده است.

جاویدنیا و جاویدنیا (۱۳۹۲) در پژوهشی مبنی بر بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر کارآفرینی و اشتغال مهارت آموختگان پسر مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان گرمسار انجام داده اند نتایج این پژوهش که بر روی ۱۰۰ نفر از مهارت آموختگان شاخه‌های فنی مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان گرمسار صورت گرفت نشان داد که آموزش‌های ارائه شده در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای علاوه بر بالا بردن توانایی‌های مهارتی موجب افزایش روحیه کارآفرینی در میان مهارت آموزان شده و از این طریق زمینه را برای اشتغال و کارآفرینی مهارت آموختگان فراهم میکند.

روش شناسی

تحقیق حاضر با هدف بررسی وضعیت میزان اشتغال فارغ التحصیلان هنرستان‌های کاردانش و کشاورزی شهرستان مریوان انجام شده و از این نظر تحقیقی کاربردی می‌باشد که به روشی میدانی انجام گرفته است. جامعه‌ی آماری این پژوهش عبارت است از همه دانش آموختگان هنرستان‌های پسرانه کاردانش و کشاورزی شهرستان مریوان که از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۳ فارغ التحصیل شده‌اند که ۲۱۶ نفر از آن‌ها با استفاده از نمونه گیری طبقه‌ای تصادفی و بر اساس جدول مورگان انتخاب گردیدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز پرسشنامه ای مشتمل بر دو بخش بود که روایی یا اعتبار آن توسط صاحب نظران امر تایید شد. همچنین پایایی یا قابلیت اطمینان سوالات پرسشنامه که به صورت طیف لیکرت طراحی شده بود و میزان پایایی از طریق الفای کرونباخ به مقدار ۰٫۸۲ درصد ($\alpha = 0/82$) بدست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام شد. بخش اول شامل ویژگی‌های فردی پاسخگویان و بخش دوم سوالات مربوط به بازار کار و مسائل و مشکلات بازار کار : شاغل بودن یا نبودن (در رشته خود) می‌باشد. پس از وارد کردن داده‌ها در نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام گرفت. در بخش توصیفی از آماره‌هایی نظیر میانگین، فراوانی، درصد فراوانی، انحراف معیار و واریانس استفاده شد. در بخش تحلیلی از ضریب همبستگی اسپیرمن و آزمون خی دو استفاده شد.

یافته‌ها و بحث

آمارهای توصیفی: در بخش آمارهای توصیفی به رشته‌ها و فراوانی و سن نمونه‌های مورد مطالعه پرداخته شده است که در جداول (۱) و (۲) آورده شده اند.



جدول ۱: عنوان رشته‌ها و فراوانی هر یک

فراوانی (نفر)	درصد	میانگین سنی
۸۸	۴۰/۷	۲۲
۱۸	۸/۳۳	۲۳
۳۰	۱۳/۸۸	۲۲
۱۰	۴/۶۲	۲۴
۱۰	۴/۶۲	۲۳
۱۲	۵/۵۵	۲۴
۲۲	۱۰/۱۸	۲۳
۱۴	۶/۴۸	۲۴
۱۲	۵/۵۵	۲۳

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از پژوهش در زمینه‌ی توزیع فراوانی مربوط به وضعیت رشته‌ی تحصیلی آزمودنی‌ها در بین جامعه‌ی مورد پژوهش (جدول ۱) نشان می‌دهد که از ۲۱۶ نفر افراد مورد پژوهش، فارغ التحصیلان رشته‌های کشاورزی از هنرستان‌های کشاورزی با ۴۰/۷ درصد دارای بیشترین درصد و فارغ التحصیلان رشته‌های کابینت‌سازی و نقشه‌کشی از شاخه‌ی کاردانش با ۴/۶۲ درصد کمترین درصد را در بین نمونه جامعه آماری تحقیق دارا می‌باشند.

با توجه به جدول شماره (۲) متوسط درصد اشتغال فارغ التحصیلان در گروه کشاورزی ۵۲ درصد و در مجموعه رشته‌های کاردانش ۴۵ درصد بوده است در بین تمامی رشته‌ها، رشته‌ی نقشه‌کشی با ۶۰ درصد دارای بیشترین درصد اشتغال و رشته‌ی برق صنعتی با ۲۵ درصد کمترین اشتغال را دارند. همچنین رشته‌ی نقشه‌کشی با ۸۸ درصد بیشترین اشتغال حقیقی را دارا می‌باشد. در این بین فارغ التحصیلان کشاورزی ۵۲ درصد دارای شغل می‌باشد که بالاتر از میانگین کلی می‌باشد و از بین شاغلین ۵۲ درصد دارای اشتغال در زمینه‌ی کشاورزی هستند که با توجه به اینکه میانگین در این زمینه (اشتغال در زمینه تحصیلی) ۵۹ درصد می‌باشد نشان دهنده‌ی وجود اشتغال کاذب در این رشته است. همچنین بر اساس جدول ۲ مشخص شد که رشته کشاورزی کمترین درصد را در بین رشته‌ها از لحاظ دائم بودن شغل دارا است. و رشته‌های رایانه و حسابداری مداوم‌ترین شغل‌ها می‌باشند

جدول شماره ۲: توزیع درصد فراوانی فارغ التحصیلان برحسب وضعیت اشتغال به تفکیک رشته

کشاورزی	کشاورزی	درصد اشتغال	درصد سرباز و دانشجو	درصد اشتغال دائم	درصد اشتغال مرتبط با رشته
۵۲	کشاورزی	۵۲	۲۰	۲۲	۵۲
۳۷	برق خودرو	۳۷	۱۵	۴۵	۳۸
۵۰	حسابداری	۵۰	۱۸	۷۵	۶۱
۴۶	کابینت‌سازی	۴۶	۱۷	۷۱	۵۶
۶۰	نقشه‌کشی	۶۰	۲۰	۵۷	۸۸
۵۴	مکانیک	۵۴	۱۶	۵۵	۵۵
۴۸	رایانه	۴۸	۲۴	۷۶	۶۲
۴۰	جوشکاری	۴۰	۱۹	۴۰	۶۷
۲۵	برق صنعتی	۲۵	۱۰	۶۲	۵۰

منبع: یافته‌های پژوهش



نتایج تحلیل‌های مربوط به آمار استنباطی فرضیه‌های تحقیق
فرضیه‌ی تحقیق: تعداد قابل توجهی از فارغ‌التحصیلان به اشتغال در رشته‌ی خود مشغول هستند

جدول ۳: آماره‌ی دو فارغ‌التحصیلان به اشتغال در رشته‌ی خود

متغیر	آماره‌ی دو	درجه آزادی	سطح معنی داری
فارغ‌التحصیلان به اشتغال در رشته‌ی خود	۲۲/۳۰۶	۸	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

برای پاسخ به این سوال از آماره‌ی دو استفاده شد نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که آماره‌ی دو برای فارغ‌التحصیلان به اشتغال در رشته‌ی خود ۲۲/۳۰۶ و درجه آزادی ۸ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ می‌باشد چون سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد می‌توان گفت که فارغ‌التحصیلان به اشتغال در رشته‌ی خود مشغول به کار می‌باشند. به عبارتی تراکم داده‌ها در حد عالی می‌باشد. نتیجه آن است که فرضیه H_1 (فرضیه اصلی پژوهش) مبنی بر اینکه تعداد قابل توجهی از فارغ‌التحصیلان به اشتغال در رشته‌ی خود مشغول هستند مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن نیز فرضیه تحقیق تأیید شد.

جدول ۴: آماره همبستگی اسپیرمن بین میزان هم‌خوانی شغل فارغ‌التحصیلان با رشته‌ی تحصیلی آن‌ها

متغیر	رشته تحصیلی	همبستگی اسپیرمن
هم‌خوانی شغل	همبستگی اسپیرمن	۰/۵۴۲
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰
	N	۲۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش

برای پاسخگویی به این فرضیه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که آماره همبستگی برای تعیین رابطه بین میزان هم‌خوانی شغل فارغ‌التحصیلان با رشته‌ی تحصیلی آن‌ها ۰/۵۴۲ سطح معنی داری ۰/۰۰۰ می‌باشد چون سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد پس می‌توان گفت که یک رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری بین میزان هم‌خوانی شغل فارغ‌التحصیلان با رشته‌ی تحصیلی آن‌ها وجود دارد. به عبارتی متغیر هم‌خوانی شغل واریانس متغیر رشته تحصیلی را تبیین می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در نتایج این پژوهش، بین فارغ‌التحصیلان گروه‌های کار دانش و کشاورزی از نظر اشتغال در مشاغل مرتبط با رشته‌ی تحصیلی تفاوت معنی داری دیده شد، بدین صورت که فارغ‌التحصیلان کار دانش با میانگین ۶۰ درصد و فارغ‌التحصیلان کشاورزی ۵۲ درصد بود همچنین نتایج مبین آن است که درصد قابل توجهی از فارغ‌التحصیلان در رشته تحصیلی خود مشغول به کار هستند و این ارتباط شغلی بین فارغ‌التحصیلان کار دانش بیشتر از فارغ‌التحصیلان کشاورزی می‌باشد که دلیل آن می‌تواند وجود فرصت‌های شغلی با نیازهای مهارتی در شهرستان باشد. این برآوردها با نتایج پژوهش فرشاد (۱۳۷۴) که نشان داد ۵۵ درصد فارغ‌التحصیلان رشته‌های فنی و حرفه‌ای در مشاغل غیرمرتبط اشتغال داشته‌اند، تا اندازه‌ای متفاوت است.



نتایج مطالعاتی که پیشتر در این زمینه صورت گرفته است از جمله، نفیسی (۱۳۸۷) جلالی پور (۱۳۷۹) و برزگر (۱۳۸۲)، نتایجی متفاوت با نتایج این مطالعه را ارائه می دهد. انگیزه بالای دانش آموزان ورودی به شاخه کاردانش، می تواند موقعیت و پیشرفت تحصیلی بیشتری برای آنان در پی داشته باشند. مطالعات لپهان و تیلور (۲۰۰۳) نشان می دهد که متغیر پیشرفت تحصیلی درصدی قابل ملاحظه از پراکندگی موفقیت شغلی و حرفه ای دانش آموختگان را تبیین می کند. از این رو پیشنهاد می شود که برنامه ریزان آموزشی وزارت آموزش و پرورش توجه بیشتر به بهبود سطح آموزشهای مهارتی از طریق جذب نیروی انسانی مناسب، تأمین تجهیزات آموزشی و غیره داشته باشند.

در این پژوهش مشخص شد که دانش آموختگان کاردانش تعداد بیکار بیشتری نسبت به دانش آموختگان کشاورزی دارند ولی ارتباط شغلی در بین دانش آموختگان کاردانش بیشتر از کشاورزی است و فصلی بودن اشتغال بین دانش آموختگان کشاورزی به مراتب بیشتر از کاردانش است که این بدلیل ماهیت کشاورزی می باشد.

با توجه به نتایج بدست آمده مشخص گردید وضعیت اشتغال در زیر مجموعه رشته های کاردانش بهتر از کشاورزی است و تعدادی از دانش آموختگان کشاورزی هم که به اشتغال دست پیدا کردن بدلیل سابقه ای اجدادی آنان بود. اما با ظهور رشته های جدید و کاربردی در مجموعه کاردانش همچون کابینت سازی، برق صنعتی، نقشه کشی آن هم در محیط در حال توسعه شهری می توان بشدت بر اشتغالزایی تاثیر گذار بوده است. در ادامه پیشنهادهای مربوط ارائه می شود.

- پیشنهاد می شود که به جای اینکه کارآموزی صرفاً در یک شغل خاص صورت بگیرد، مهارت های دارای قابلیت اشتغال (اعم از فکری و جسمی) با برنامه های فنی و حرفه ای تلفیق شوند. در این صورت فارغ التحصیلان می توانند با نوسانات بازار و تغییرات تکنولوژی سازگار گردند؛ با رشد استعداد های فردی توان کارآفرینی در آنها افزایش می یابد؛ و امکان اشتغال در مشاغل متنوع برای فارغ التحصیلان فراهم می گردد.
- برنامه ریزی به منظور حل مشکل اشتغال دانش آموختگان با حمایت حساب شده دولت در بکارگیری دانش آموختگان هنرستان های کشاورزی و کاردانش
- لازم است تسهیلات ارزان به دانش آموختگان هنرستان های کشاورزی و کمک به آنها در جهت خوداشتغالی (احداث گلخانه، دامداری، اداره مزارع و ...) ارائه گردد
- رویکرد برنامه ریزی در شاخه کاردانش که بر مبنای رویکرد ناکارآمد منبع محوری و برنامه ریزی متمرکز و از بالا به پایین است تغییر یابد و برنامه ریزی برای تأسیس یا توسعه رشته های کاردانش در سطوح استانی و مناطق به برنامه ریزان استانی واگذار گردد.
- با توجه به تحولات سریع تقاضا برای نیروی کار در کشور، بازنگری مستمر در برنامه آموزشهای مهارتی کاردانش ضروری است انجام پژوهش های ادواری در مورد وضعیت فارغ التحصیلان شاخه کاردانش و ارائه نتایج آن می تواند به برنامه ریزان ذیربط برای برنامه ریزی مناسب و مؤثر در شاخه کاردانش کمک قابل توجهی نماید.
- برای دستیابی به نتایج ویژه و دقیق در سطح هر منطقه، ضرورت دارد که به طور جداگانه و ویژه در ارتباط با شرایط منطقه ای، در مورد عوامل گوناگون تأثیرگذار بر اشتغال و کارآفرینی فارغ التحصیلان، پژوهش های عمیقی انجام شود.

فهرست منابع

- امیری ، م (۱۳۸۳) . بررسی وضعیت اشتغال آموزش دیدگان سازمان فنی و حرفه ای و برآورد الگوی عوامل مؤثر بر آن (بررسی میدانی شهر تهران)، برنامه و بودجه، شماره ۸۸، صص ۴۷-۷۴.
- امین بیدختی ، ع (۱۳۸۳) نقش آموزش های فنی و حرفه ای در توسعه خود اشتغالی استان سمنان ، پژوهشنامه ی علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم ، شماره شانزدهم ، صص ۳۷-۵۰.



- ایزدی، ص. و صفارحیدری، ح (۱۳۸۱) بررسی وضعیت اشتغال کارآموزان آموزش فنی و حرفه ای استان مازنداران طی برنامه دوم توسعه اقتصادی. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، ۲ (۴)، صص ۶۷-۸۳.
- برزگر، م (۱۳۸۲). بررسی وضعیت اشتغال مهارت آموختگان رشته های نقشه کشی ساختمان و حسابداری شاخه کاردانش در شهرستان های تهران. طرح پژوهشی، سازمان آموزش و پرورش شهرستان های تهران.
- پناهی، ح (۱۳۷۹). وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان شاخه کاردانش در شهرستان اردبیل، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل.
- تودارو، م (۱۳۷۷) توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش و برنامه ریزی توسعه.
- جاویدنیا، ک؛ جاویدنیا، م (۱۳۹۲) بررسی تأثیر آموزش های فنی و حرفه ای بر کارآفرینی و اشتغال مهارت آموختگان پسر مرکز آموزش فنی و حرفه ای شهرستان گرمسار، مجموعه مقالات همایش ملی مهارت آموزی و اشتغال در ایران، تهران، ۳۰ اردیبهشت، سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور.
- جلالی پور، ی (۱۳۷۹) بررسی وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان شاخه کاردانش شهرستانهای استان تهران در سال های ۷۶- ۷۹ (گزارش تحقیق) تهران: اداره کل آموزش و پرورش شهرستان های تهران.
- زعفرانچی، ل (۱۳۸۸) اشتغال زنان (مجموعه مقالات و گفت و گوها)، تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- زین آبادی، ح، پرنده، ک (۱۳۹۲) آموزش فنی و حرفه ای و اشتغال در ایران، تهران: سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور.
- شریفزاده، م (۱۳۹۲)، توسعه اقتصادی با چرخه آموزش، آموزش های فنی و حرفه ای و کاردانش تضمین گر توسعه اقتصادی کشور، رشد آموزش فنی و حرفه ای، دوره نهم، شماره ۳۱، صص ۱۱-۱۶.
- شریعت زاده، م (۱۳۸۸) ، بررسی وضعیت تحصیلی و شغلی فارغ التحصیلان شاخه کاردانش در رشته های کامپیوتر، امور مالی و حسابداری و زراعت و مقایسه آن با وضعیت فارغ التحصیلان شاخه نظری. فصلنامه تعلیم و تربیت، سال بیست و پنجم، شماره ۱۰۰، صص ۹-۲۶.
- عطاران، ن (۱۳۸۰). بررسی وضعیت اشتغال و عوامل مرتبط با اشتغال دانش آموختگان شاخه کاردانش در شهر مشهد، اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان.
- فرشاد، م (۱۳۷۴). بررسی رابطه آموزش های رسمی فنی و حرفه ای با اشتغال. گزارش طرح تحقیقی، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کاووسی، ط (۱۳۸۷) رابطه آموزش های کاردانش و فنی حرفه ای با اشتغال در استان آذربایجان شرقی، فصلنامه مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی سال اول، شماره ۱، صص ۸۳-۹۳.
- لرستانی، ا (۱۳۸۱) بررسی وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان شاخه کاردانش در استان کرمانشاه، سازمان آموزش و پرورش استان کرمانشاه.
- موسایی، م. احمد زاده، م (۱۳۸۸) آموزش توسعه و توسعه پایدار، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۸، صص ۱۶-۲۷.
- میرهادی، س. م (۱۳۸۰) بررسی میزان اشتغال فارغ التحصیلان مهارتی کاردانش در مشاغل مرتبط در استان اصفهان در سال ۱۳۷۹، اصفهان: شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش.
- نفیسی، ع (۱۳۷۸) بررسی نارسائیهای ارتباط نظامهای آموزش و پرورش و بازار کار و آرایه راه حل های اصلاحی تهران: انتشارات مدرسه.



-
- Lynch, R.L. (۲۰۰۰). High school career and technical education for the first decade of the ۲۱st century. *Journal of Vocational Education Research*. ۲۵(۲). ۱۵۵-۱۹۸.
- Maclean, R., and Ordonez, V. (۲۰۰۷). Work, skills development for employability and education for sustainable development. *Educ. Res. Policy Prac.* ۶:۱۲۳-۱۴۰.
- Mupinga, D.M., and Burnett, M.F., and Redmann, D.H. (۲۰۰۵). Examining the purpose of technical education in Zimbabwe's high schools. *International Education Journal*. ۶(۱), ۷۵-۸۳.